

## نقش حضرت زهرا علیها السلام در دفاع از حریم ولایت

\* زهرا رضایی \*

\*\* سهراب مروتی \*\*

\*\*\* سهیلا همتی مامو \*\*\*

### چکیده

امامت و ولایت در اسلام، از پایه‌های اصلی اعتقاد و زیربنای زندگی سیاسی، اجتماعی و فرهنگی به‌شمار می‌آید. اما ولایت در باور شیعه از جایگاهی خاص و رفیع برخوردار است تا جایی که از نماز، روزه، حج، و جهاد نیز برتر و بالاتر است. رویکرد حضرت زهرا علیها السلام، به‌عنوان اولین حامی و مدافع ولایت بر حق الهی و آغازگر دفاع از حریم ولایت، تعیین‌کننده محور ارزش‌های اجتماعی و سیاسی در حرکت تاریخی اسلام است. رویکرد ایشان در دفاع از حریم ولایت پس از رحلت پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله تا زمان شهادتشان، از فرازهای مهم تاریخ اسلام به‌شمار می‌رود. در این زمان است که فاطمه علیها السلام همچون سیاستمداری بزرگ در دفاع از ولایت «دانشگاه سیاسی» خود را می‌گشاید و در مکتبی که عمرش کمتر از صد روز بود، ضمن نشر «فرهنگ سیاسی» خود، مشعل هدایت را فراروی حقیقت‌مداران قرار می‌دهد. از این رو، پژوهش حاضر می‌کوشد ضمن تبیین آن موقعیت حساس، با استناد به شواهد و قراین تاریخی و نگاه توصیفی - تحلیلی، چگونگی دفاع از حریم ولایت را به تصویر کشانده و در پایان، سیرة نظری و عملی آن حضرت را در این کشمکش سیاسی، که هدفش قرار دادن حاکمیت بر محور حق و عدل بود، روشن نماید.

**کلیدواژه‌ها:** حضرت زهرا علیها السلام، حضرت علی علیه السلام، ولایت، دفاع، خطبه.

## مقدمه

ظلم‌ها در طول تاریخ غصب وصایت رسول خدا ﷺ و خلافت امیرالمؤمنین ﷺ است و مهم‌ترین اقدام، احقاق این حق است. حضرت زهرا ﷺ به عنوان اولین حامی ولایت، به دنبال احقاق این حق بود و در این راه مظلومانه به شهادت رسید.

سؤال اصلی که این پژوهش درصدد پاسخ‌گویی به آن است، این است: حضرت زهرا ﷺ چه نقشی در دفاع از حریم ولایت بر عهده داشتند؟  
سؤالات فرعی نیز عبارتند از: حضرت زهرا ﷺ چگونه به مبارزه پرداختند؟ ایشان با چه انگیزه و هدفی به دنبال احقاق این حق بودند؟ شواهد و قراین مربوط به این دفاع‌ها را می‌توان در چند بخش به شرح زیر بیان نمود:

**الف. دفاع جانانه از امیرالمؤمنین ﷺ در آغاز فتنه**  
حرکت انقلابی حضرت زهرا ﷺ و دفاع مقدس او از صراط مستقیم الهی و ولایت رهبران بر حق اسلامی، از همان روزهای اولیه رحلت رسول خدا ﷺ شروع شد؛ آن‌گاه که پیامبر ﷺ دار فانی را وداع نمود و مسلمانان تاری به نام خلافت گرد خویش تیدند و از پذیرش رهبری امیرالمؤمنین علی ﷺ سر باز زدند «رهاورد شورای سقیفه، اختلاف شدید مهاجر و انصار بود که به پیروزی مهاجران و خلافت ابوبکر انجامید» (رسولی محلاتی، ۱۳۷۹، ص ۱۰۹). تمام این حوادث زمانی تحقق یافت که امیرالمؤمنین ﷺ همراه چند تن از یازان به غسل و کفن پیامبر ﷺ مشغول بودند. در این موقعیت، تنها مشکل خلیفه جدید امیرالمؤمنین علی ﷺ بود. «... عمر به همراه جماعت دیگری رهسپار خانه حضرت علی ﷺ شدند

اسلام دینی است که ما را به موضع‌گیری مثبت در رابطه با جهان و واقعیت‌های آن دعوت می‌کند و از ما می‌خواهد در رابطه با حوادث و جریان‌ات بی تفاوت نباشیم. وقایع و اتفاقاتی که در حیات بشر پدید می‌آیند هر کدام به نحوی در سرنوشت ما و بشریت مؤثرند و طبعاً طرز برخورد با آن وقایع باید مسئولانه باشد. براساس این معیار، می‌توان فاطمه ﷺ را از پیشروان حرکت اسلامی دانست که همچون سیاستمداری قهرمان در صحنه زندگی ظاهر می‌شود. بعد از رحلت پیامبر ﷺ سیاست‌بازان در سقیفه بنی ساعده دست به کار شدند و حوادثی را برای دنیای اسلام پدید آوردند که آثار آن به مرور برای عالم اسلام تلخ و ناگوار بود. با حذف امیرالمؤمنین علی ﷺ، یک شخص از صحنه سیاست خارج نشد، بلکه خطری بزرگ پیش آمد که عملاً دیگر قرآن آن تأثیر حقیقی را در بین جامعه مسلمانان نمی‌توانست داشته باشد و این مسئله‌ای بود که فاطمه زهرا ﷺ متوجه آن بود و جبهه‌ای را در صدر اسلام گشود که تا قیام قیامت می‌تواند انحراف از اسلام را بشناساند و نقشه‌های مسلمان‌نمایی را که جهت اصلی شان اسلام نیست برملا کند. چون حضرت زهرا ﷺ در دوران غربت اسلام به دنیا آمد و هیچ‌کس مانند او شاهد زحمات طاقت‌فرسا و شبانه‌روزی رسول خدا ﷺ و تلاش‌های بی‌وقفه علی ﷺ نبود، بعد از ارتحال پیامبر اکرم ﷺ نمی‌توانست شاهد پژمرده شدن نهال نوری اسلام باشد که با زحمات طاقت‌فرسای رسول خدا ﷺ از زمین سر برآورده و با خون‌های زیادی سیراب شده بود. آری، به جرئت می‌توان گفت: یکی از بالاترین

«آن‌گاه حضرت فاطمه علیها السلام همراه حسنین علیهم السلام برای نفرین به سوی قبر رسول خدا صلی الله علیه و آله حرکت کرد. علی علیه السلام به سلمان فرمود: سلمان! فاطمه را دریاب؛ گویی دو طرف مدینه را می‌نگرم که به لرزه افتاده. سوگند به خدا، اگر فاطمه نفرین و ناله سر دهد، دیگر مهلتی برای مردم مدینه باقی نمی‌ماند و زمین همه آنها را در کام خود فرو می‌برد... سلمان عرض کرد: ای دخت پیامبر! امام علی علیه السلام مرا فرستاده که به شما بگویم به خانه برگردید و نفرین نکنید. حضرت فرمود: ای سلمان! آنها قصد جان علی علیه السلام را دارند و من در قتل علی علیه السلام نمی‌توانم صبر کنم. سلمان عرض کرد: امام علی علیه السلام مرا فرستاده که شما بگویم به خانه برگردید و نفرین نکنید. وقتی حضرت متوجه پیام امام خویش شد فرمود: حال که امامم (دستور داده) برمی‌گردم و صبر می‌کنم و سخن او را می‌پذیرم و از او اطاعت می‌کنم» (مجلسی، ۱۳۷۰، ج ۲۸، ص ۲۲۸).

آری! زهرای اطهر به دنبال این ماجرای جانگداز بیمار شد، ولی باز هم دست از مبارزه‌اش بر ضد غاصبان و ستمگران برنداشت و با همان تن رنجور و پهلوی شکسته برای احقاق حق خود و شوهرش از خانه بیرون آمد تا در لوای بازپس‌گیری فدک، از حق از دست رفته علی علیه السلام دفاع کند و با نظام حاکم به مبارزه برخیزد؛ اگر توانست آن را مغلوب سازد و اگر نتوانست، دست‌کم محکوم کند تا از این راه، انحرافی را که در اسلام و مقام رهبری آن پدید آمده بود به مردم گوشزد کند و نیز انحراف قانون‌گذاران و غاصبان خلافت و پایبند نبودن آنان را به قرآن و اسلام اثبات نماید.

این‌گونه دفاع در آغاز فتنه، زیباترین دفاع است که با اطاعت صددرصد و محض امامش همراه است و

و ریسمانی در گردن آن حضرت انداختند تا او را برای بیعت به مسجد بیاورند و این، آغاز فتنه‌ای بزرگ بود؛ اما با مقاومت شدید حضرت زهرا علیها السلام مواجه شدند. حضرت به میان جمعیت آمد و دامن علی علیه السلام را محکم گرفت» (مجلسی، ۱۳۸۶، ص ۳۳۰) و فرمود: «به خدا قسم! نمی‌گذارم پسر عموم را ظالمانه (برای بیعت) ببرید» (کلینی، ۱۴۰۳، ج ۸، ص ۲۳۸).

حضرت زهرا علیها السلام صدا به ضجه و شیون بلند کرد تا شاید مردم از خواب غفلت بیدار شوند و از امیرالمؤمنین علیه السلام دفاع کنند، اما استغاثه‌ها و ناله‌های حضرت زهرا علیها السلام نه تنها در دل‌های آن سنگدلان اثر نکرد، بلکه با پشت شمشیر به پهلویش زدند و با تازیانه بازویش را سیاه کردند تا دست از دفاع بردارد (مجلسی، ۱۳۷۰، ج ۸۲، ص ۲۶۲). سرانجام، امیرالمؤمنین علیه السلام را دستگیر کردند و مظلومانه به مسجد بردند. حضرت زهرا علیها السلام که مدافع حق و ولایت علی علیه السلام بود و تا پای جان آماده ایثار بود، هنگامی که به خود آمد دید، علی علیه السلام را به جانب مسجد برده‌اند و جای درنگ نیست؛ جان علی علیه السلام در معرض خطر افتاده و باید از او دفاع کند. از این رو، با تن خسته و پهلوی شکسته از خانه بیرون آمد و به اتفاق گروهی از زنان بنی‌هاشم روانه مسجد شد. چون دید علی علیه السلام را بازداشت نموده‌اند، با تن مجروح بلند شد و فرمود: «رها کنید پسر عموم را! قسم به آن خدایی که محمد صلی الله علیه و آله را به حق برانگیخت، اگر از وی دست بردارید سر خود را برهنه کرده و پیراهن رسول خدا را بر سر افکنده و در برابر خدا فریاد برخواهم آورد و همه‌تان را نفرین می‌کنم به خدا، نه من از شتر صالح کم‌ارج‌ترم و نه کودکانم از بچه او کم‌قدرتر» (یعقوبی، ۱۳۷۹، ج ۲، ص ۱۲۶).

تا آخرین لحظه دست از دفاع خود برنداشت تا امام سالم از دست مهاجمان آزاد شد و از بیعت رهایی یافت. «طبق نقل مسعودی، تا صدیقه طاهره علیه السلام در قید حیات بودند آنها نتوانستند از علی علیه السلام بیعت بگیرند. بنی هاشم نیز پس از شهادت حضرت زهرا علیه السلام بیعت کردند» (مسعودی، ۱۴۰۹ق، ص ۳۰۸). همچنین در کتاب چشمه در بستر به نقل از کتاب الکافی آمده است: ابوبکر به طور موقت از بیعت با حضرت علی علیه السلام درگذشت و او را رها کرد که چاره‌ای جز این نداشت (کلینی، ۱۴۰۳ق، ج ۸، ص ۲۳۸).

#### ب. تبیین حقیقت ولایت

مهم‌ترین و بزرگ‌ترین ستم بر حضرت علی علیه السلام غصب خلافت و مسائل پیرامون آن بود. در روزگاری که دیگران به شدت بر اوضاع مسلط بودند و اجازه مخالفت به کسی نمی‌دادند، حضرت زهرا علیه السلام با تمام قدرت به دفاع از حق غصب‌شده و پایمال‌شده امیرالمؤمنین علیه السلام برخاست، به گونه‌ای که شب‌ها بر در خانه مهاجر و انصار می‌رفت و می‌فرمود: «ای گروه مهاجر و انصار! خدا را یاری کنید و دختر پیامبران را یاری نمایید. در آن روزی که با رسول خدا صلی الله علیه و آله بیعت نمودید، بیعتتان چنین بود که همچنان‌که هر ناراحتی را از خود و فرزندان بازمی‌دارید، از او و فرزندان او نیز بازدارید. اکنون که به عهدی که با رسول خدا صلی الله علیه و آله بستید، وفا کنید» (مفید، ۱۴۰۹ق، ص ۱۸۳). شناخت، معرفت، محبت و ولایت جامع و پویای پاک بانوی آفرینش نسبت به مقام ولایت، نگرش روشن و بنیادین در عرصه‌های مختلف دفاع و حمایت از امامت به آن حضرت بخشیده بود، به گونه‌ای که تمام صحنه‌ها و لحظه‌ها را میدان مبارزه

با ستم‌کیشان و عرصه دفاع از ستم‌دیدگان می‌دید و اندکی در استمرار مبارزه کوتاهی نمی‌کرد و مردم را به یاد غدیر خم می‌انداخت که پیامبر صلی الله علیه و آله علی علیه السلام را جانشین خود معرفی کرده بود. در این زمینه، زهرا علیه السلام خطاب به مردم می‌فرمود: آیا سخن رسول خدا صلی الله علیه و آله را در غدیر فراموش کردید که می‌گفت: «من کنت مولاه فعلی مولاه»؟ و در برابر عذرتراشی‌های رسوای آنان نیز می‌فرمود: آیا پدرم پس از واقعه غدیر که علی علیه السلام را به امامت منصوب کرد، برای کسی عذری باقی گذاشته است؟ (صدوق، ۱۴۰۳ق، ج ۱، ص ۱۷۳) از همین روست که «حضرت در آغاز سخن می‌خواهد به صورتی مرموز مردم را مورد سؤال قرار دهد که انتخاب خلیفه از جانب امت به پیروی کدامین امر الهی صورت پذیرفته است؟ درحالی که خداوند به این عمل دستوری نداده است، امت چگونه می‌تواند به آن عمل دست بزند؟! آیا این عمل با بندگی حق متعال مغایر نیست؟! وقتی عملی با انگیزه الهی و به امر خدا انجام نپذیرد، از دین خدا نیست» (مجلسی، ۱۳۷۰، ج ۲۹، ص ۲۴۶).

حضرت زهرا علیه السلام در پاسخ محمودبن لبید که پرسید: آیا رسول خدا درباره امامت علی علیه السلام سخن گفت؟ فرمود: «شنیدم که پیامبر گرامی اسلام فرمود: علی علیه السلام بهترین کسی است که او را جانشین خود در میان شما قرار می‌دهم. علی علیه السلام امام و خلیفه بعد از من است و دو فرزندم (حسن و حسین) و نه نفر از فرزندان حسین علیه السلام پیشوایان و امامانی پاک و نیک‌اند. اگر از آنها اطاعت کنید شما را هدایت خواهند نمود و اگر مخالفت ورزید تا روز قیامت بلای تفرقه و اختلاف در میان شما حاکم خواهد شد» (طبرسی، ۱۳۸۱، ج ۱، ص ۲۴۸). حضرت در ادامه می‌فرماید: «آگاه باش! قسم به

خود به آن اقرار و پایبندی ندارند. اما حضرت زهرا علیها السلام با تمام وجود معتقد به فضایل امیرالمؤمنین علیه السلام بود. در میان فضایل امیرالمؤمنین نیز حضرت زهرا علیها السلام از زبان پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله نقل نموده که فرمود: «علی بهترین کسی است که او را در میان شما جانشین قرار می‌دهم» (دستی، ۱۳۷۷، ص ۳۷).

حضرت زهرا علیها السلام در بخشی از خطبه معروف خود در مسجد مدینه درباره سابقه درخشان امیرالمؤمنین علی علیه السلام فرمود: «پس از بعثت رسول خدا صلی الله علیه و آله هرگاه مشرکین آتش جنگ برافروختند، خدا آن را خاموش کرد و هرگاه شیطان سر برداشت یا مشرکی از مشرکین ندا داد یا یورش آورد، رسول خدا صلی الله علیه و آله برادرش علی علیه السلام را در کام سختی‌ها و شعله‌ها می‌انداخت و علی علیه السلام بر جای نشست تا بر سر و مغز مخالفان کوبید و با شمشیر مشکلات و تهاجمات را از سر راه (اسلام) برداشت. علی علیه السلام رنج‌ها را برای خدا تحمل نمود و در تحقق امر الهی تلاش کرد. یار نزدیک رسول خدا صلی الله علیه و آله و بزرگ و سرور دستان خدا بود. (همواره) دامن همت به کمر زده، نصیحتگر تلاشگر و کوشا بوده، در راه خدا از سرزنش سرزنش‌کننده‌ای بیم به خود راه نداده، درحالی‌که شما (مردم) در رفاه و آسایش زندگی آرمیده بودید» (حسینی زنجانی، ۱۳۸۰، ص ۶۶).

آری حضرت زهرا علیها السلام مقام و موقعیت امام علی علیه السلام را شناخته و از توانایی‌های ذاتی و خدادادی و شایستگی‌های ایشان نیز مطلع بود. نیز دیدگاه‌های پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله را نسبت به ایشان مرتب شنیده بود و بدان ایمان و اعتقادی راسخ داشت و صلاح و مصلحت جامعه نوپای اسلام را در رهبری و امامت حضرت علی علیه السلام می‌دانست و جایگزین دیگری را با

خدا، اگر حق را به اهلس و اگذار می‌کردند و از عترت رسول خدا اطاعت می‌نمودند، دو نفر هم درباره حکم خدا با یکدیگر اختلاف نمی‌کردند... اما (افسوس) کسی را مقدم داشتید که خدا او را کنار زده بود و کسی را کنار زدید که خدا او را مقدم داشت» (حسینی زنجانی، ۱۳۸۰، ص ۵۰۲).

حضرت زهرا علیها السلام درحالی‌که اشک‌های جاری بود از غضب ولایت شکوه‌های دردآلود می‌کرد و می‌فرمود: «اللَّهُمَّ الْيَكُ نَشْكُو فَقَدْ نَسِيكَ وَرَسُولَكَ وَصَفِيكَ وَارْتِدَادَ أَمَّتِهِ عَلَيْنَا وَمَنْعَهُمْ إِيَّانَا حَقْنَا الَّذِي جَعَلْتَهُ لَنَا فِي كِتَابِكَ الْمُنْزِلِ عَلَى نَسِيكَ الْمُرْسِلِ» (مجلسی، ۱۳۷۰، ج ۵۳، ص ۱۹)؛ پروردگارا! به سوی تو شکایت می‌کنم از اندوه از دست دادن پیامبر و فرستاده و برگزیده‌ات و به تو شکایت می‌کنم از ارتداد امت پیامبر و اینکه حق ما را از ما بازداشتند؛ همان حق ولایت و رهبری، را که در قرآن کریم خود بر پیامبر اسلام نازل فرمودی.

بنابراین، این بانوی بزرگ به صورت علنی و در جمع مردم و با حضور دیگران، صراحتاً از زیر پا گذاشتن حق امیرالمؤمنین علیه السلام سخن به میان آورد و حقیقت ولایت را برای مردم تبیین نمود و تا آخرین لحظه برای دفاع از علی علیه السلام پای فشرد.

### ج. بیان شاخص‌های شایستگی خلافت

نوع دیگر از دفاع آن حضرت از شخص امیرالمؤمنین علی علیه السلام این بود که در موارد مختلف، سابقه طولانی و فضایل بی‌شمار او را گوشزد می‌کرد. گفتنی است که بیان فضایل یک فرد آن‌گاه مؤثر می‌افتد که خود گوینده به آن معتقد باشد. بسیاری کسان که فضایل علی علیه السلام را به زبان می‌آورند، ولی در عمل و رفتار

وجود ایشان برای این مقام و منصب جایز نمی‌دید. از این رو، برای اثبات و تحقق آن از هیچ تلاشی دریغ نکرد و تا آخرین لحظه دست از حمایت و دفاع از امام علی علیه السلام برنداشت.

#### د. افشای فتنه‌های معاندان

حضرت زهرا علیها السلام توجیه نادرست صحنه‌گردانان سقیفه در مورد انتخاب خلیفه را افشا کرده، عواقب زیانبار آن را بیان می‌کند.

حضرت زهرا علیها السلام تعجب خود را از چنین سرعتی در ارتداد، اعلام می‌کردند؛ از جمله، در انتخاب خلیفه و پشت پا زدن به دین، که هنوز پیامبرشان دفن نشده بود، و نیز از آوردن بهانه‌های بی‌جا برای عمل خود، که «نکند جریان نوپای اسلام را به سمت و سوی دیگری ببرد و دچار فتنه شویم، و می‌خواهیم از فتنه جلوگیری کنیم» و... آن حضرت در بخشی از دفاعیات و خطبه خود، هماهنگ با آیه شریفه قرآن، به یکی از مصادیق عذر اجتناب از فتنه و در عین حال، سقوط در فتنه اشاره فرمودند: «إیتدرا زعمتم خوف الفتنه، ألافی الفتنه سقطوا، وإن جهنم لمحیطة بالكافین» (صفایی حایری، ۱۳۸۳، ص ۵۵)؛ به خاطر جلوگیری از فتنه، این کار را انجام دادیم؛ درحالی‌که همین کار، عین سقوط در فتنه است. مسلماً جهنم به کافران احاطه دارد.

«نقل شده که ابوبکر در سخنانی علت قبول خلافت را ترس از بروز فتنه دانسته است! حال جای طرح این پرسش است که با فرض اینکه امیرالمؤمنین علی علیه السلام حکومت را به دست می‌گرفت، چه کسانی فتنه برپا می‌کردند؟ آیا در رأس فتنه‌گران همانان نبودند که در زمان رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم هم پیمان شدند که

نگذارند علی علیه السلام به حکومت برسد؟!» آری! به هیچ وجه قصد آنان از این اقدام، جلوگیری از فتنه نبود، بلکه هوای ریاست و خلافت، آنها را به شتابزدگی واداشته بود، که مبدا دیگران آن را به دست آورند. «با ارائه دو دلیل می‌بینیم که آنان بجز ربودن خلافت، هوایی در سر نداشتند: ۱. اگر آنان در مواقع غمخوار اسلام و مسلمانان بودند، می‌بایست آن را که خود در باطن اعتقاد به لیاقت و کفایتش داشتند مقدم می‌داشتند. ۲. اگر آنان به راستی مصلحت اسلام را خواستار بودند و هوایی دیگر به سر نداشتند، چرا از تصمیم آخرین لحظه‌های رسول اکرم جلوگیری و ممانعت نمودند و نگذاشتند نامه‌ای را که موجب از بین رفتن اختلاف بود بنویسد؟! بنابراین، پس زدن خلیفه‌الله و حامل امانت کبرای الهی، خود فتنه بود که به عنوان جلوگیری از فتنه اتفاق افتاد و به هوای ریاست چند روزه، به دنیا روی آورده و قرآن کریم را پشت سر انداختند، با اینکه احکامش روشن و فرمان‌هایش واضح و آشکار است (حسینی زنجانی، ۱۳۸۰، ص ۱۶۳).

«بانوی اسلام این فریادگر زمان، بر کسانی که خلافت را در دست گرفتند فریاد می‌زند که: قرآن را رها نکنید، و اوامر و نواهی آن روشن است و دستورهایی را که برای مسئله خلافت بعد از پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم داده آشکار است. پیش‌بینی لازم را برای بعد از رحلتش کرده و چیزی را در پرده ابهام باقی نگذاشته. حضرت زهرا علیها السلام به آنها هشدار می‌دهد که اگر یادگار بزرگ پیامبر (قرآن) را رها کنید و دست به دامن غیر آن بزنید و افکار ناتوان خود را بر تعلیمات اسلام مقدم دارید و به بهانه مصلحت‌اندیشی‌ها یا جلوگیری از فتنه، خود را حاکم بر قرآن بدانید نه

شجاعت ماهیت کینه‌توزانه آنان را افشا کرد و ریشه‌های فاسد دشمنی با مولای متقیان علی علیه السلام را برملا ساخت» (مجلسی، ۱۳۷۰، ج ۴۳، ص ۱۵۹).

#### ه. اعتراض مؤثر به سکوت خواص

دخت گرامی رسول خدا صلی الله علیه و آله می‌دید که با خروج رهبری از محور حق و حقیقت، چه بسا ممکن است امور مهم دیگر نیز دچار آفت شود و هرگونه ساکت ماندن، نوعی مهر تأیید بر کارهای ناروا باشد و یا حتی برای همیشه کار قانونی جلوه داده شود و نشانی بر حقانیت مدعیان خلافت تلقی گردد. بدین‌روی، آن حضرت در مواردی مخالفت خود را با اعتراض و انتقاد و شکوه به اثبات رساند «که سخنان آن حضرت، فریاد دردآلودی بود در حمایت از علی علیه السلام وصی و جانشین پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله که گروهی از بازیگران، آیات قرآن و توصیه‌های مؤکد رسول خدا صلی الله علیه و آله را درباره او نایده گرفته بودند و صاعقه مرگباری بود که بر سر دشمنان اسلام فرود آمد و آنها را ساخت‌خافلگیر کرد» (مکارم شیرازی، ۱۳۸۴، ص ۱۴۲). «فاطمه زهرا علیها السلام در آن زمان با این مسئله روبه‌رویند که جریانی با نقشه قبلی عنان جامعه اسلامی را به دست گرفته و به هر جا که می‌خواهد می‌برد، ولی مشکل اصلی که به جامعه آن روز و به آیندگان ضربه زد از جایی شروع شد که مذهبی‌های سینه‌چاک مبارز جنگجو، فقط نگاه می‌کردند و هیچ کاری در مقابل این جریان انجام ندادند» (طاهرزاده، ۱۳۸۸، ص ۲۷۰). از این‌رو، حضرت در بخشی از خطبه معروف خود در مسجد مدینه به آنها خطاب فرمود: «ای گروه نقبا و مؤمنین! ای بازوان ملت! ای حافظان اسلام! این ضعف و غفلت در مورد حق من و

محکوم فرمان آن، زیان بزرگی دامان شما را خواهد گرفت» (مکارم شیرازی، ۱۳۸۴، ص ۱۸۵).

«آتش فتنه در جامعه شما هرگز خاموش نخواهد شد و از آنچه می‌ترسید در آن واقع می‌شوید. روح اسلام از میان شما رخت برمی‌بندد و جز قشری بی‌مغز و ظاهری بی‌محتوا چیزی باقی نخواهد ماند» (همان، ص ۱۹۰).

«از دیگر اقدامات روشنگرانه آن حضرت در بیان افشای فتنه‌های معاندین، افشای ماهیت سیاست‌ستیزی با علی علیه السلام بود و صدیقه طاهره علیها السلام معتقد بود: کسانی که علی علیه السلام را از صحنه بیرون کرده‌اند، از شدت عمل او در برابر مخالفان دین و قاطعیتش در مقابل دشمنان اسلام و افزون‌طلبان بیم کرده‌اند؛ آنان می‌دانند علی علیه السلام در اجرای عدالت ذره‌ای کوتاهی نخواهد کرد و در راه تحقق احکام الهی از مرگ نمی‌هراسد؛ از این‌رو، او را کنار زدند تا به آسانی به اهداف شخصی و خواسته‌های نفسانی‌شان دست یابند. شاید آن روزها بسیاری از اصحاب و تابعین و کسانی که تازه مسلمان شده بودند نمی‌توانستند باور کنند دست‌هایی که علی علیه السلام را کنار زده‌اند، از سرِ هواپرستی چنین ظلمی را مرتکب شده باشند؛ چون آنها نیز سال‌ها در رکاب نبی اکرم صلی الله علیه و آله شمشیر زده و به اسلام گرویده بودند. به علاوه، برخی از آنها جزء دانشمندان جامعه به حساب می‌آمدند؛ لذا کسی جرئت نمی‌کرد به آنان گمان بد برده و آنها را به این بی‌دینی و خیانت متهم نماید. بنابراین، مردم دو گروه بودند: یک گروه، از ریشه دشمنی و مخالفت با علی علیه السلام خبر نداشتند و گروه دیگر، شجاعت و شهامت بیان حقایق را نداشتند؛ ولی حضرت زهرا علیها السلام با کمال شهامت و

خدا و حامل دین و علوم نبوت هستید» (امینی، ۱۳۷۳، ص ۱۶۵).

در شرح خطبه حضرت زهرا علیها السلام در فراز دیگری از سخنانش در رابطه با سکوت و بی تفاوتی های خواص چنین می فرماید: «هدف من اتمام حجت است، وگرنه امیدی به شما ندارم. با سکوت خود، صحنه بر پای مظالم گذاردید و همه چیز را زیر سؤال بردید. و گمان مبرید که این سکوت و بی تفاوتی ها برای شما ارزان تمام می شود و شما میوه تلخ آن را در همین دنیا به صورت حکومت های جباری همچون بنی امیه و بنی عباس که نه بر نسل های آینده شما رحم می کنند و نه بر اسلام و قرآن، خواهید چشید. و سخنان امروز من در تاریخ اسلام ثبت می شود و آیندگان قضاوت خواهند کرد» (مکارم شیرازی، ۱۳۸۴، ص ۲۰۸).

حضرت زهرا علیها السلام در بخشی از سخنان خود در جمع زنان مهاجر و انصار که برای عیادت او آمده بودند، در اعتراض به مردانشان فرمود: «چه زشت است کندی شمشیرها و سستی بازچه بودن مردانتان» (طبرسی، ۱۳۸۱، ص ۲۴) و ادامه داد: «وای بر آنان! چرا خلافت را از مرکز رسالت و پایه های نبوت و راهنما و مهبط وحی جبرئیل بیرون برند» (همان) و فرمود: «چه باعث شد که (با علی کینه توزی کنند) از ابی الحسن انتقام گرفتند؟ آری، به خدا انتقام گرفتند به خاطر سوزش تیغ او (و پایداری او) (همان).

حضرت زهرا علیها السلام عمل اصحاب را پس از پیامبر خدا صلی الله علیه و آله نخستین عملی می داند که بدون اساس الهی است و کوچک ترین انگیزه الهی ندارد. حضرت خوب درک می کند که با این گام انحرافی، اسلام چهره اصلی خویش را از دست خواهد داد و از آن

این سهل انگاری از دادخواهی من چرا؟ آیا پدرم رسول خدا نفرموده باید حرمت هر کس در مورد فرزندان او حفظ شود؛ با چه سرعتی دچار اعمال ناپسند شدید! و چقدر زود آب از دهان بز لاغر ریخت؟ (یعنی دچار غفلت شدید)» (قیومی اصفهانی، ۱۳۸۷، ص ۲۳۴).

نیز در نکوهش پیمان شکنان و سستی و بی تفاوتی مردان فرمودند: «یا معاشر المسلمین المسرعة الی قیل الباطل المغضیة علی الفعل القبیح الخاسر اَفلا تتدَبَّرُونَ القرآنَ أمَ علی قلوبِ اَفْعالها» (همان، ص ۲۴۴)؛ ای مسلمانان که به سوی سخن باطل شتابانید و اعمال زشت زیانکارانه را نادیده می گیرید! آیا در قرآن تدبیر نمی کنید یا بر دل ها مهر زده شده است.

در شرح خطبه حضرت زهرا علیها السلام در سرزنش انصار آمده است که حضرت می فرماید: «امام علی علیه السلام را که برای ولایت و زمامداری شایسته ترین بود و به تصرف در امور قضایی اسلام از دیگران سزاوارتر بود کنار گذاشتید و به فکر راحتی خود بودید. علی علیه السلام سازشکار نیست و کسی را در بخشش بر دیگری برتر نمی دارد و مسلماً این موضوع برای شما تنگنا محسوب می گردد به این ترتیب و با انتخاب ابوبکر به عنوان خلیفه اول و قبول او، از این تنگنا رهایی یافتید و به سوی کسی که مطیع امر شماست و آنچه شما بخواهید انجام می دهد، به آنچه که شما اراده کنید حکم می کند روی آوردید» (قزوینی، ۱۳۸۱، ص ۵۳۶). در حالی که «خلیفه واقعی پیغمبر در میان شما موجود است. خدا قبلاً با شما پیمان بسته که از وی اطاعت کنید. او کتاب ناطق خدا و قرآن صادق و نور درخشنده است و بر خودتان امین باشید؛ شما که نمایندگان امر و نهی



اسلام صلی الله علیه و آله در طول بیست و سه سال پرتلاش همه از بین می‌رفت و از اسلام جز صورت و نامی بیش نمی‌ماند و به دنبال این انحراف صدها و هزاران انحراف غیرقابل جبران دیگری پیش می‌آمد - چنان‌که پیش آمد - و این مصیبتی بود که نه تنها برای فاطمه علیها السلام، بلکه برای هیچ مسلمان مسئولی قابل تحمل نبود، گریه و اشک‌ها نشانه‌ی شعور و بیداری از وقوع فاجعه‌ای بزرگ در فرهنگ بشریت است.

«مسلمانان در جهت پایان بخشیدن به گریه‌های حضرت زهرا علیها السلام بسیار کوشیدند، ولی تلاششان ناکام ماند و اشک‌های اعتراض دخت رسول خدا صلی الله علیه و آله همچنان بر دامن پاکش فرو می‌ریخت. در این موقعیت، حضرت احساس کرد تمام درهایی که پیامبر به فرمان خدا بر روی همگان بسته و تنها بر علی و فاطمه گشوده بود، بر آن دو بسته و بر دیگران گشوده شده‌اند؛ حقوق معنوی او و رهبری بر حق الهی که خداوند تنها به همسر و فرزندان عطا فرموده بود، در جامعه اسلامی جدید ضایع و تباہ گشته است» (حکمت‌نیا، ۱۳۸۴، ص ۱۰۹).

«ظلم به معنای پایمال کردن حقوق دیگران است و چون حضرت امیر علیه السلام امام واجب‌الاطاعه و خلیفه بلافصل و برترین آفریده پس از خاتم الانبیا بود، غصب خلافت حضرت، دروغ بستن بر او، انکار فضایل وی و پیروی نکردن از دستورهایش هر یک ظلم بزرگ به‌شمار می‌رود که باید بر این مظلومیت گریست» (بابایی، ۱۳۸۰، ص ۲۲۹).

و به خاطر همین مظلومیت‌ها بود که گاه آه دردآلودی از عمق جان حضرت زهرا علیها السلام برمی‌آمد و گریه می‌کرد و می‌فرمود: «کیست یاور برای علی، آن یاری‌کننده کیست؟» (مجلسی، ۱۳۷۰، ج ۳، ص ۲۵۳).

نامی نخواهد ماند؛ از این رو، با تمام قوا می‌خواهد اعوجاجی را که در خط اصیل اسلام پدید آمده است اصلاح کند و زمام امت پدرش را به دست خداوند بسپارد تا مسلمانان به ریسمان محکم اسلامی چنگ زنند و دین پدرش مصونیت یابد.

### و. گریه بر مظلومیت امیرالمؤمنین علی علیه السلام

از روزی که خلافت امیرالمؤمنین علی علیه السلام غصب گردید، مبارزه‌ای فکری و فرهنگی و غیرظاهری در شیوه فعالیت فاطمه علیها السلام قرار گرفت که گاه اعتراض خود را با گریه‌های هدفمند در جهت مبارزاتش علیه حاکم وقت به گوش همگان می‌رساند.

ناله‌های حضرت در مدینه منتشر می‌شد، به گونه‌ای که هرکس او را می‌دید این سؤال برایش پیش می‌آمد که چرا اینقدر گریه می‌کند؟ و همین گریه‌ها بود که گاهی افراد را نادم و پشیمان می‌کرد و احساسات آنها را به هیجان می‌آورد. با اعتراضاتی که علیه او صورت گرفت، مانع گریه آن حضرت شدند.

«لذا حضرت علی علیه السلام برای آسایش فاطمه علیها السلام سایبانی در بقیع بنا کرد و حضرت برای گریه کردن روزها به بیرون مدینه رفته و در آنجا ناله سر می‌داد که بعدها به بیت‌الاحزان نامیده شد» (مجلسی، ۱۳۷۰، ج ۴۳، ص ۱۷۴).

البته گریه‌های حضرت زهرا علیها السلام علل و عوامل متعددی داشت. مهم‌ترین چیزی که روح حساس و غیور بانوی بزرگ اسلام را ناراحت می‌ساخت این بود که می‌دید اسلام از مسیر واقعی منحرف شده و با خانه‌نشین شدن امیرالمؤمنین علیه السلام و روی کار آمدن منافقان، انحراف در رهبری اسلام و مسلمانان پیدا شده و زحمات بی‌امان و شبانه‌روزی پیغمبر

فرمود: «امتی که عهد و پیمان خدا و پدرم رسول خدا ﷺ را درباره (ولایت) امیرالمؤمنین علی ﷺ شکستند و نسبت به حق من ظلم کردند، بر پیکر من نماز نگزارند و... آنهایی که نسبت به خدا و رسولش تذکر و هشدار می‌دادم که در مورد ما (اهل بیت) ظلم روا مدارید و حق مسلمی را که خدا برای ما قرار داده است غضب نکنید، در تاریکی شب جواب مساعد می‌دادند (که شما را یاری می‌کنیم)، و در روز روشن دست از یاری ما برمی‌داشتند، حق ندارند بر من نماز گزارند (دستی، ۱۳۷۷، ص ۳۰۰).

و در ادامه می‌فرماید: «مرا شب دفن کن؛ آن هنگام که چشم‌ها آرام گرفته و دیده‌ها به خواب رفته باشند» (همان، ص ۳۳۰). این وصیت سیاسی و تاریخی، ضربه سهمگینی بر پیکر دشمنان ولایت وارد ساخت، ضربه‌ای که تا قیام قیامت استمرار خواهد داشت و سندی زنده و ماندگار بر محکومیت حکومت خلفا و غیر عادلانه بودن آن از منظر زهراى مرضیه ﷺ به شمار می‌آید.

آری! این صدای فاطمه ﷺ است که تا تاریخ باقی است، با سخنرانی و دفاعش و با اشک و سکوتش و با قهر روشنگرش و عاقبت با وصیت و قبر بی‌نشانش، از ولی‌اش دفاع نمود و مظلومیتش را بر جهان و جهانیان ثابت کرد.

### نتیجه‌گیری

حضرت زهرا ﷺ در همان آغاز فتنه‌ای که بعد از جریان سقیفه، توسط سیاست‌بازان روی داد، نقش خود را به خوبی ایفا کرد، و به دفاع از ولایت بر حق و الهی علی ﷺ پرداخت. در دفاع از حق کمترین تردیدی به خود راه نداد و تا پای جان از ولایت، در

«دختر طلحه در یکی از روزهای غمبار پس از رحلت رسول اکرم ﷺ خدمت فاطمه رسید و با اظهار ناراحتی از گریه‌های دلخراش آن بانو، با شگفتی پرسید: فاطمه! چه چیزی شما را این‌گونه به گریه و زاری واداشته است؟ که حضرت به پیشینه جریانات در زمان رسول ﷺ و کینه‌ای که از علی ﷺ در دل کسانی مانده بود ولی قدرت اظهار نداشتند و پس از رحلت پیامبر ﷺ برملا کردند، اشاره کرد» (همان، ص ۱۵۷). گریه‌های حضرت زهرا ﷺ بر مظلومیت علی ﷺ حتی تا آخرین ساعات حیات او ادامه داشت، آن‌گاه که وفات فاطمه ﷺ نزدیک شد، به شدت گریست و چون امام علی ﷺ از علت گریه او سؤال کرد، فرمود: «ابکی لما تلقی بعدی»؛ بر مصیبت‌هایی که پس از من بر تو خواهد بارید گریه می‌کنم» (همان، ص ۵۳).

آری! حضرت با غم و اندوهی که در درون داشت و اشک در دیده، به دیدار پروردگار شتافت تا در آن سرا از مظلومیت امام خویش سخن گوید و بر ستم‌هایی که بر حجت خدا شده است شهادت دهد.

### ز. بیان واقعیت در وصیت‌نامه سیاسی، تاریخی

حضرت زهرا ﷺ آن قدر در هدف خویش پایدار بود که نه تنها تا آخرین ساعات زندگی مبارزه را تعقیب کرد، بلکه دامن مبارزه را تا قیامت توسعه داد و مبارزاتش را با وصیتش حتی بعد از مرگ نیز ادامه داد. حضرت زهرا ﷺ با ارائه تدبیری خردمندانه عرصه ستم‌ستیزی و میدان مبارزه با دشمن را فراتر از زمان و مکان گسترش داده بود تا تمامی افراد از ارزش دوستی‌های الهی و زشتی دشمنی‌های شیطانی تا روز رستاخیز آگاهی یابند. از این‌رو، در بخشی از وصیت‌نامه آن حضرت آمده است که

**منابع** .....

- امینی، ابراهیم، ۱۳۷۳، فاطمه زهرا علیها السلام بانوی نمونه اسلام، چ پنجم، قم، شفق.
- بابایی، علی اکبر، ۱۳۸۶، *دانشنامه امام علی علیه السلام چ سوم*، تهران، وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی.
- حسینی زنجانی، عزالدین، ۱۳۸۰، *شرح خطبه حضرت زهرا علیها السلام*، چ سوم، قم، دفتر تبلیغات اسلامی.
- حکمت‌نیا، مریم، ۱۳۸۴، «شیعه و دفاع از حریم آن در خطبه‌های حضرت زهرا علیها السلام»، *بانوان شیعه*، ش ۴.
- دشتی، محمد، ۱۳۷۷، *فرهنگ سخنان فاطمه علیها السلام*، چ شانزدهم، قم، مؤسسه تحقیقاتی امیرالمؤمنین علیه السلام.
- رسولی محلاتی، هاشم، ۱۳۷۹، *زندگانی حضرت فاطمه زهرا علیها السلام* و دختران آن حضرت، چ هشتم، تهران، دفتر نشر فرهنگ اسلامی.
- صدوق، محمدبن علی، ۱۴۰۳ق، *الخصال*، تحقیق علی اکبر غفاری، قم، نشر اسلامی.
- صفایی حایری، علی، ۱۳۸۳، *روزهای فاطمه علیها السلام: شرحی بر خطبه فدک*، چ دوم، بی‌جا، لیلۃ‌القدر.
- طاهرزاده، اصغر، ۱۳۸۸، *بصیرت فاطمه زهرا علیها السلام*، چ دوم، اصفهان، لب‌المیزان.
- طبرسی، احمدبن علی، ۱۳۸۱، *الاحتجاج*، ترجمه بهزادجعفری، تهران، دارالکتب الاسلامیه.
- قزوینی، محمدکاظم، ۱۳۸۱، *فاطمه‌الزهرا علیها السلام از ولادت تا شهادت*، ترجمه حسین فریدونی، چ ششم، تهران، آفاق.
- قیومی اصفهانی، جواد، ۱۳۸۷، *صحیفه حضرت زهرا علیها السلام*، چ پنجم، قم، جامعه مدرسین.
- کلینی، محمدبن یعقوب، ۱۴۰۳ق، *روضه‌الکافی*، بیروت، دارالتعارف.
- مجلسی، محمدباقر، ۱۳۷۰، *بحارالانوار*، چ سوم، تهران، کتابفروشی اسلامیه.
- مجلسی، محمدباقر، ۱۳۸۶، *جلاء‌العیون*، چ دوم، مشهد، واسع دامینه.
- مسعودی، علی بن حسین، ۱۴۰۹ق، *مروج الذهب*، چ دوم، قم، دارالهجره.
- مفید، محمدبن محمدبن نعمان، ۱۴۰۹ق، *الاختصاص*، تحقیق عبدالمنعم عامر، قم، منشورات الرضی.
- مکارم شیرازی، ناصر، ۱۳۸۴، *زهرا برترین بانوی جهان*، چ سیزدهم، قم، سرور.
- یعقوبی، احمدبن ابی‌یعقوب، ۱۳۷۹، *تاریخ الیعقوبی*، بیروت، دارصادر.

قالب‌های مختلف دفاع کرد. برای دفاع از ولایت، فدک بهانه‌ای می‌شود تا حضرت زهرا علیها السلام با بیان سخنرانی‌هایش به دفاع از ولایت و حق از دست رفته علی علیه السلام بپردازد و با بیان شاخص‌های شایستگی خلافت که صلاح و مصلحت جامعه نوپای اسلام را در رهبری و امامت حضرت علی علیه السلام می‌دانست، به تبیین حقیقت ولایت پرداخت و تنها او را شایسته این مقام و منصب دانست. در دفاع از ولایت، فتنه‌های معاندان را افشا کرد و عواقب زیانبار آن را بیان نمود و اعتراض خود را نسبت به کسانی که سکوت کردند و با سکوت خود، صحنه بر پای مظالم گذاردند و زمینه‌ساز بروز فتنه‌ها شدند اعلام کرد. حضرت زهرا علیها السلام بارها اعتراض خود را با گریه‌های هدفمند در جهت مبارزاتش علیه حاکم وقت و نارضایتی از دستگاه حاکم به گوش همگان می‌رساند و در نهایت، با وصیت‌نامه سیاسی - تاریخی خود، تیر نهایی فدایی ولایت را زد و دامن مبارزه را تا قیام قیامت توسعه داد و با دفن شبانه و قبر بی‌نشانش، از ولی‌اش دفاع نمود و مظلومیتش را به جهان و جهانیان ثابت کرد. ایشان با انگیزه الهی و با حفظ بصیرت، به دفاع از حقیقت ولایت و احقاق این حق پرداخت و بذری مبارزه‌ای باشید که هنوز ادامه دارد و هدفش قرار دادن حاکمیت بر محور حق و عدل بوده نه سود و ظلم؛ و به ما آموخت که دفاع از ولایت حقی نیست که تعطیل‌بردار باشد. باید در همه حال پشتیبان حریم ولایت بود، حتی در اوج غربت و تنهایی. باید برای پیروزی هرچند با امیدی ضعیف تلاش کرد. باید با نظام ستم‌پیشه حاکم مبارزه کرد؛ اگر توانست، آن را مغلوب ساخت و اگر نتوانست، دست‌کم محکوم نمود؛ که اگر باطل را نمی‌توان ساقط کرد، می‌توان رسوا ساخت.